



دیدگاهها

مقدمه:

استاد دکتر محمود بهزاد با ارسال مقاله‌ای که آنرا مطالعه خواهید فرمود همکاران خودشان را در ماهنامه رازی مورد عنایت قرار دادند.

البته در نظر داریم در اولین فرصت مناسب از استاد رخصت طلبیده و برای یک گفتگو و گپ دوستانه خدمتشان شرفیاب شویم و از این پیر قبیله داروسازان نکته‌ها بیاموزیم، اما تا آن زمان (که زیاد هم دیر نخواهد بود) برسد، به ذکر چند نکته در مورد ایشان بسنده میکنیم و سپس به مرور مقاله وزین ایشان میپردازیم:

استاد بهزاد به سال ۱۲۹۲ در شهر رشت متولد شدند.

یعنی آنهمه شور و نشاط و سرزندگی در ۷۹ سالگی از ایشان ساطع میشود؟ باید از نزدیک با ایشان دمخور بود تا راز این ماندگاری را یافت. بهر حال ایشان در سال

۱۳۱۴ موفق به اخذ لیسانس از دانشسرای عالی شده به یک مدال درجه یک علمی هم دست می‌یازند. در سال ۱۳۲۸ از دانشکده داروسازی فارغ التحصیل میگردند. در حالیکه همزمان در دبیرستان البرز به تدریس نیز اشتغال داشتند. حاصل عمر استاد نزدیک به ۷۰ جلد کتاب تألیفی یا ترجمه شده است. ایشان از سال ۱۳۶۰ به همکاری نزدیک با جامعه داروسازان گیلان می‌پردازند و هر ماهه یک بولتن علمی برای همکاران در آن استان فراهم می‌آورند - دعوت از سخنرانهای مختلف و تداوم حیات علمی خانه داروسازان گیلان نیز با یاری و مساعدت ایشان صورت می‌پذیرد.

برای استاد عمری پربرکت آرزو می‌کنیم و امیدواریم که همیشه در کارهای خود موفق و مؤید باشند. خداوند یار و یاور همه خدمتگزاران راستین در همه زمینه‌ها، خصوصاً داروسازی، باشد.

قابل توجه نویسندگان و مترجمان گروه پزشکی
در بسیاری از نوشته‌ها و ترجمه‌های
همکاران ارجمند گروه پزشکی معادله‌ایی برای
لغات و اصطلاحات خارجی به چشم می‌خورد
که گرچه در پاره‌ای موارد مصطلح شده‌اند،

پلاسمایی آن يك الى دو ساعت است به عنوان
مثال انتخاب می‌کنیم و half-life پلاسمایی
آن را به منظور ایجاز در کلام همان يك ساعت
در نظر می‌گیریم. اگر ۵۰۰ میلی گرم از نمک
سدیم آن را در عضله تزریق کنیم پس از يك



نادرست‌اند و کاربرد آنها مجاز نیست. در اینجا
به چند مورد اشاره می‌شود.

ساعت غلظت پلاسمایی آن به ۷ تا ۱۴
میکروگرم در میلی لیتر پلاسمای می‌رسد. (در
اینجا نیز ۱۰ میکروگرم را که حد متوسط است
در نظر می‌گیریم). پس از گذشت يك ساعت
دیگر غلظت پلاسمایی آن به ۵ میکروگرم

۱- half-life را نیمه عمر ترجمه
می‌کنند، حال آنکه ترجمه درست آن عمر نیمه
است. آمپی سیلین را که half-life

می‌رسد و پس از يك ساعت دیگر به ۲/۵ و بر این قیاس، پس در هر ساعت نیمی از نصف آن کم می‌شود و به عبارت دیگر عمر نیمی از آن، يك ساعت است = با عمر نیمه.

در زبان ما نیمه وقت و نیمه راه بترتیب معنی نصف وقت و نصف راه است. نیمه عمر یعنی وقتی دو برابر گردد می‌شود عمر. حال آنکه در اینجا آمپی‌سیلین در يك ساعت نصف می‌شود و پس از يك ساعت دیگر به يك چهارم غلظت اولیه می‌رسد و پس از يك ساعت دیگر و يك هشتم آن!

بنابر آنچه گذشت half-life یعنی عمر نیمه (و نه نیمه عمر!).

۲- cerebral hemispheres را غالباً «نیمکره‌های مغز» ترجمه می‌کنند، حال آنکه مغز به تمامی آنچه درون جمجمه جای دارد اطلاق می‌شود و Cerebral صفتی است مشتق از Cerebrum یعنی مخ، پس می‌شود نیمکره‌های مخ و نه نیمکره‌های مغز!

۳- experiment را تجربه ترجمه می‌کنند، حال آنکه تجربه معادل Experience است و experiment آزمایش است. تفاوت آزمایش و تجربه این است که «آزمایش به منظور تحقیق درستی یا نادرستی يك فرضیه» ترتیب داده شده می‌شود و عملی فعال (active) است، حال آنکه تجربه بدون قصد و خود به خود فقط با توجه کردن به رویدادها حاصل می‌گردد و عملی منفعل (Passive) است. همه ما به تجربه می‌دانیم که اگر دستمان به لیوانی که روی میز

قرار دارد بخورد، آن لیوان به طرف زمین سقوط می‌کند و هیچوقت چنین امری را آزمایش نکرده‌ایم.

افراد سالخورده عموماً تجربه بسیار درباره امور مختلف زندگی دارند چون شاهد بسیاری از آنها بوده‌اند. ولی دانشجویان و دانش‌آموزان در آزمایشگاههای شیمی و فیزیک و زیست شناسی به آزمایشهای گوناگون دست می‌زنند و در ضمن آزمایشگری به بسیاری نکات علمی توجه می‌یابند.

۴- در عموم کتابها و مقالات این روال متن خارجی را 20-30 mg/day به صورت ۳۰-۲۰ میلی‌گرم / روز می‌نویسند. این نوع برگردان يك غلط فاحش است زیرا، درست است که اعداد را در زبان فارسی از چپ به راست می‌نویسند و می‌خوانند ولی مطلب را از راست به چپ می‌نویسند و می‌خوانند. مراد از 20-30 mg/day که در زبان خارجی از چپ به راست نوشته می‌شود این است: ۲۰ تا ۳۰ میلی‌گرم در روز، «۳۰-۲۰» در زبان ما مفهومی ندارد و باید گفته و نوشته شود ۲۰ تا ۳۰!

۵- غالباً «چنانچه» را به جای «چنانکه» به کار می‌برند: چنانچه یعنی اگر و چنانکه یعنی به طوری که، بسا دیده شده است که می‌نویسند یا می‌گویند «چنانچه در صفحات پیش گفته شده» در حالی که مرادشان این است «چنانکه در صفحات پیش گفته شده».

امید است مورد توجه همکاران گرامی قرار گیرد.

دکتر محمود بهزاد